

## دو نوشته از دهخدا: اوائل نویسندگی - او آخر عمر

چرند پرند

سواد دستخط ملوکانه به پارلمنت سویس \*

آنکه عالیجاه عزت همراه پارلمنت سویس به مراحم کامله همیونی مباحی و مفتخر بوده بداند ،

از قراری که به خاکهای جواهر آسای اعلیحضرت قدر قدرت همیونی ما معروض افتاده است جمعی از مفسدین مملکت و دشمنان دین و دولت که جز بر باد دادن سلطنتی که خداوند متعال به حکمت بالغه خود به ما عطا فرموده هوائی در سر و جز اضمحلال اقتداری که اجداد والاتبار ما به ضرب شمشیر برای ما تحصیل فرموده اند خیالی در دل ندارند در قلمرو حکمرانی آن عالیجاه عزت همراه اجتماع نموده اند .

از آنجا که درجه لیاقت و کاردانی و کفایت و دولتخواهی آن عالیجاه همواره مشهود نظر کیمیا اثر همیون ما بوده می باشد می دانیم که در اطاعت او امر ملوکانه از هیچ چیز حتی از صرف مال و بذل جان دریغ ندارند از این رو آن عالیجاه عزت همراه را به موجب همین دستخط آفتاب نقطه مأمور می فرمائیم که به محض رؤیت فرمان قضا جریان ملوکانه مفسدین مزبور را که از حلیه دولتخواهی عاری و از این رو در پیشگاه خداوندی نیز از دین و دیانت بری می باشند گرفته و در جلودار الحکومه دولتی به چوب بسته و تا وقتی که در فراشهای حکومتی تاب و توان و در

---

\* نقل از شماره سوم صور اسرافیل چاپ اروپا (۱۳۲۷ قمری)

بدن اشرار پوست و استخوان هست بزنند تا ماههٔ عبرت ناظرین و موجب تنبه سایر گردنکشان گردیده و بعد از این بدانند که سلطنت و دیعه‌های الهی که از جانب خدای متعال به ما واگذار شده و احدی را حق آن نیست که سر از اطاعت اعلیحضرت همیونی ما بزند یا شانه از پاسا و تزوک سیاست ما خالی کند.

و چون به کریاس گردون اساس اعلیحضرت ما عرض شده بود که در آن صفحات چوب و فلک صحیح کمتر به دست می‌آید از این رو به کارگذاران فراشخانهٔ مبارکه امر و مقرر فرمودیم که یک بغل ترکهٔ انار که مصداق "من الشجر الأخضر النار" است از باغ شاه طهران مرکز سلطنت و قلمرو حکمرانی ما چیده و یک اصله فلکهٔ ممتاز منقش بآن عالیجاه بفرستند. از طرف گمرک و کرایهٔ اشیاء مرسوله خاطر آن عزت همراه آسوده باشد. حضرت مستطاب . . . . . جنرال لیاخوف وعده کرده است که همین روزهای نزدیک به توسط جناب دوست معظم هارتویک مبلغی معتداز دولت متبوعهٔ خود برای ما گرفته ارسال دارد.

و اگر احیاناً از آنجا هم چیزی وصول نشد امر و مقرر فرموده‌ایم که سرکار والا عین الدوله فرمانفرمای کل قشوی ظفرنمون و رئیس اردوی کیوان شکوه برای پنجمین دفعه پست انگلیس را بزند و عایدات را به خزانهٔ مبارکه تحمیل کند.

در هر حال خیال آن عزت همراه از این باب بکلی مرفه و فارغ باشد. چه اگر هیچیک از این دو صورت نگرفت باز حضرت اقدس والا فرزند اعز کامکار و لیبهد فلک عهد دولت گردون مدار را برای دفعهٔ دوم ختنه خواهیم کرد.

محض مزید دعاگوئی و دولتخواهی یک ثوب سرداری تن‌پوش مبارک ترمهٔ لاکمی شمه مرصع از صندوقخانهٔ مبارکه به آن عالیجاه عزت همراه مرحمت فرمودیم که زیب پیکر افتخار کرده بین الأقران مباحی و سرفراز باشد.

مقرر آنکه مستوفیان عظام و کتبهٔ کرام شرح فرمان قضا جریان را در

دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند .

تحریراً فی چهارم ذیحجه بهیچ شیل خیریت دلیل ۱۳۲۶ .

-۲-

چند کلمه با مخالفین دولت (مصدق) (۱)

در این موقع که وطن عزیز ما لحظات بحرانی عظیمی را طی میکند و وظیفه هر فرد است که آنچه را بخیر و صلاح مملکت میداند بیان کند و هموطنان خود را بجرایانات روز و سیاستهای مخرب اجانب متوجه سازد . بهمین علت نگارنده این سطور که عمری از نزدیک ناظر جریانهای وقت بوده و همیشه هدفی در دوره زندگانی طولانی خود جز استقلال و آزادی مملکت و ترقی و تعالی ملت نداشته چنین احساس کرد که در این موقع خطیر باید از اظهارنظر خودداری نکند ، مبدا درآینده پیش وجدان خود شرمسار شود .

هموطنان عزیز باید به خاطر بیاورند که نهضت مشروطه خواهی ایران اساساً نهضت ضد استعمار بود و هدفی جز استقلال مملکت نداشت . شاهد این دعوی مقالات سید جمال الدین مرحوم در عروة الوثقی و روزنامه قانون و ثریا و پرورش و جهل المتین کلکته و کتاب ایراهیم بیک و امثال آنست .

توضیح آنکه مردم وطن پرست مملکت چون می دهند که اجانب دارند بر تمام شئون ملک مسلط می شوند و با تحصیل امتیازات دائم خرده خرده استقلال اقتصادی و سیاسی ما را از میان می برند و برای وصول به مقاصد سوء خود و با کمال سهولت بر یک تن از مردم ایران که شاه نامیده می شد بعلت ضعف نفس او یا بوسپله تهدید یا تطمیع او مسلط می شده اند در

\*\*\* آینه - این متن را آقای محمد گلین لطف کردند . نوشته دهخدا ابتدا در روزنامه باختر چاپ شد و از روی آن در چند روزنامه نقل گردید و آقای گلین از روزنامه "شاهد" استخراج کرده اند . از توجه و محبتشان متشکریم .

صدد برآمدند که وضع را تغییر دهند و در مقابل اجانب مردم را بیدار و مجهز کنند و به عبارت دیگر رژیم مشروطه را در ایران مستقر نمایند.

در رژیم مشروطه چون حکومت به دست ملت می افتاد و اختیارات شاه محدود می شد اجانب دیگر نمی توانستند بوسیله تهدید یا تطمیع یا ضعف نفس او بروی مسلط شوند و بوسیله او امتیازاتی بگیرند و هر روز لطمه‌ای نو به استقلال دینی اقتصادی و سیاسی ما بزنند.

بنابراین چنانکه ملاحظه می شود اساس نهضت مشروطیت ایران اولاً همان نهضت استقلال طلبی و ضد استعماری و برای جلوگیری از دادن امتیازات متوالی به روسیه تزاری و انگلستان بوده و موضوعات دیگر هر اندازه هم مهم باشد در درجه دوم از اهمیت قرار گرفته و از لوازم مشروطیت بوده است.

این یادآوری از آن جهت است که هموطنان عزیز بدانند نهضت ملی امروز ایران در اساس با نهضت مشروطیت یکسان است و امروز هم ملت ایران هیچ امری را ولو بسیار مهم باشد با استقلال اقتصادی و سیاسی مملکت و قطع ایادی بیگانگان برابر نمی کند و همه چیز را در صورت لزوم فدای این هدف عالی خواهد کرد و غیر از آن هم نباید باشد. زیرا تا سلطه اجانب از مملکت قطع نشود و ملت ایران روی پای خود نایستد هیچیک از مفاهیم آزادی و دموکراسی و ترقی و تعالی مملکت و حتی دیانت و اخلاق و سایر آرزوهای ملی تحقق پذیر نیست و ملتی که در چنگ اجانب اسیر باشد و زندگانی به مراد آنها کند به هیچیک از این مظاهر عالیه ملیت دست نخواهد یافت.

این مقدمه را از آن جهت ذکر می کنم که جمعی مفروض به بهانه دروغین حفظ قانون اساسی و امثال آن لطمه به نهضت ملی ایران نزنند و مانع به ثمر رسیدن مجاهدات ملت ایران در راه استقلال و درهم شکستن استعمار نشوند. زیرا هیچیک از این بهانه‌ها آنها را تبرئه نخواهد کرد و خیانت آنها را به نهضت ملی مستور نخواهد داشت.

باید این نکته را اشخاص بیفروض به مفروضین مکرر گوشزد کنند که

تمام قوانین و نظامات و دستگاههای سیاسی و اداری برای مملکت است نه مملکت برای آنها. حتی باید گفت اگر روزی خدای نکرده استقلال مملکت و قانون اساسی در دوجبهت مخالف یکدیگر قرار گیرند، زعمای هر قوم در هر زمان قوانین اساسی را باید فدای مملکت کنند نه مملکت را فدای قانون. آنها که امروز سنگ طرفداری قانون را به سینه می‌زنند باید بدانند که مردم فریب آنها را نخواهند خورد و همه کس به علت مخالفت آنها با نهضت ملی ایران کاملاً واقف است.

ملت ایران تاریخچه و علت مخالفت یک یک مخالفین امروز را که جاه‌طلبی و تأمین مطامع شخصی است می‌داند و سزای آنها را که با ادعای مسلمانی تیشه به ریشه اسلام می‌زنند نیز خواهد داد.

به اشخاصی که بواسطه کمک به دکتر مصدق و نهضت ملی ایران آبرویی پیدا کرده بودند امر مشتبه شده است. آنها تصور کرده‌اند واقعا ملت ایران شیفته کمالات و شخصیت آنهاست. غافل از اینکه این مردم خودپسند در سایه نهضت ملی ایران عنوان پیدا کرده‌اند، و الا غالب آنها شایستگی ضباطی یک اداره را هم نداشتند.

لافونتن افسانه‌سرای فرانسوی افسانه‌ای دارد بنام ارابه و مگس. ارابه را شش اسب نیرومند از گردنه‌ای بالای می‌برند. مگس گاهی بال و پرودم اسبها و گاهی روی بینی ارابه می‌نشسته و حماسه‌سرائی می‌کنند. وقتی ارابه بالای گردنه رسید مگس می‌گوید الحمدلله مساعی من به نتیجه رسید. اینک باید اجر مرا بدهند.

حکایت پاره‌ای از اشخاص خودپسند کم‌مایه که اینک می‌خواهند از نهضت ملی ایران مزد بگیرند بی‌شبهت به مگس لافونتن نیست. ملتی در اثر تحمل یک قرن ذلت و تعب و گرسنگی به زعامت سائس بصیرت‌وتوانا قیام کرده و پس از فضل الهی در نهضت خود کامیاب شده و اینک باید به ثمره آن برسد. چند نفر جاه‌طلب طماع چون اغراض آنها تأمین نشده به بهانه‌های بی‌اساس می‌خواهند بعنوان اینکه نهضت را آنها به وجود آورده‌اند بر مردم قیام کنند.

نهضت را کسی به وجود نیاورده، نهضت خود به وجود آمده است و سیر خود را خواهد کرد. به معاندین باید گفت چه می‌گوئید در حق سربازی که در بحبوحه جنگ با دشمن برای این که کسی از او جلوتر ایستاده و یا عقبتر رفته یا مورد محبت خاص قرار نگرفته یا فلان خواهش او برآورده نشده به نزاع با همکاران خود برخیزد و به صف سپاه شکست وارد آورد. آیا این سرباز خائن به خودی و خادم به بیگانه نیست.

امروز تکلیف عموم ملت ایران از وضع و شریف کوچک و بزرگ اینست که با جان و دل به دولت ملی و نهضت ملی کمک کنند و از بذل جان و مال در راه توفیق نهضت خودداری ننمایند و حتی برخلاف آنچه بعضی در باب اعلیحضرت پادشاه گفته یا نوشته‌اند که شاه باید بیطرفی خود را حفظ کند اعتقاد من این است که ایدا" جایز نیست شاه مملکت در این قیام عظیم ملی ساکت بنشیند، بلکه باید با تمام قوای مادی و معنوی خود به کمک نهضت ملی بشتابد و از هیچ نوع مساعدت صوری و معنوی کوتاهی نکند.

علی اکبر دهخدا

